

دموکراسی نقابدار و ترفند های قوم گرایی در انتخابات افغانستان !

به وسیله چهار چیز با مردم در تماس هستیم. و ارزش موقعیت ما نیز از روی این چهار چیز معلوم می شود آنچه انجام می دهیم، آنچه جلوه می کنیم، آنچه می گوئیم، آنچه می گوئیم.

« دیل کارنگی »

پیوسته به گذشته بخش دهم :



محمد امین فروتن

با ادامه یادداشت قبلی با اضافه اینکه کشور افغانستان را باید جزیره ای از درد ها و زخم های معلوم و نامعلوم در این مقطعی از تاریخ و جغرافیای از جهان به حساب آورد ، متأسفانه در میان ما ، دولتمردان و نخبه گان این جامعه و متفکران اصلی و مصنوعی ای که به ترتیب اعداد چند و چند مین سورت و بسته بندی شده اند ، هستند نه اندک که نه تنها به فرآیند مشروعیت و هویت تاریخی و حقیقی جایگاه مقامی بنام ریاست جمهوری افغانستان کوچکترین توجهی ندارند و به مسأله اجرای اصلاحات ساختاری و توأم با عدالت اجتماعی و اقتصادی در افغانستان نیز که اجرای آن از ضروریات و فرائض حیاتی تمامی شهروندان بشمار می آیند به باد تمسخر میگیرند و کسانی را که تحقق عدالت همه جانبه در جامعه درد دیده افغان را مقدم بر همه اولویت ها به شمول سرکسی که بنام «انتخابات ریاست جمهوری افغانستان!!» برپاداشته اند نخستین وظیفه ای از دولتمردان و نخبه گان جامعه ما می شمارند به عناصر نافهم ، شعاری و ساده لوح متهم میکنند! وگاهی ناخواسته و نا آگاه بازیچه ای دالر و دینار قدرت های می شوند که سرنوشت جامعه ما را پشت میزهای منافع خویش تعیین میکنند . جای تعجب آنجاست که این نوابغ تاریخ کشور ما بدون آنکه به پرسش اصلی تاریخ ما که آیا جدارها و دیوارهای اراده برپائی انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان از خاک و آب بومی و افغانی اعمار گردیده است ؟ و یا هم نیاز منافع بیگانه ها اند که به هر قیمتی و در هر نوع شرائطی باید تنور انتخابات در افغانستان گرم نهاده شده شود !!؟ پاسخ منطقی و علمی ای دریابند هریکی از کاندیداهای های گرامی ضمن بیان شعارهای وجیزه آمیز شان پسوند « تداوم » نظام مافیائی حاضر را نیز بر آن چسپ میزنند !! این بدین معناست که هریکی از آن ها خود را مناسب ترین فردی برای نگهداری و حفظ نظامی می

شمارند که بارها و بارها بویژه در امتداد ۱۲ سال گذشته فضائل و کرامات!! آن بحیث " مؤلفه های از " مشروعیت ملی ودموکراتیک " از سوی بلند گوهاو وسائل ارتباط جمعی مانند شبکه های ۲۴ ساعته رادیو و تلویزیون ، سازمان های به ظاهر مدنی بیان گردیده است . بدترین نوعی از این تعامل با مسأله مشروعیت مافیائی آنگاه به مسخره کشانیده میشود که تمام یا اکثریت قریب به اتفاق کاندیدا های به اصطلاح " ریأ" ست جمهوری افغانستان که به نحوی از انحا بسیاری از آنها با قدرت های بیگانه بخصوص با شبکه های استخباراتی کشورهای که بنام مبارزه با تروریسم بین المللی در افغانستان حضور نظامی و اقتصادی دارند تکیه کرده اند از فورمولی که بصورت نا امضأ شده در بستر منافع استراتژییک و دکتورین امنیتی کشورهای شامل در ائتلاف ضد تروریسم بالخصوص کشور نوتولد شده ای نامشروع پاکستان و ایران شیعی امام زمانی ای که از دیربندینسو در عقب سازمان امنیتی ISI راه میرود باساس تقسیم بندی های قومی از قبیل پشتون ، هزاره ، تاجیک ، ازبیک ، بلوچ و غیره اقوام به نحو کاریکاتوری عمل کرده و در انتخاب معاونین اول و دوم خویش بصورت مطلق معیارهای وارداتی قومی را بحیث یک پروژه بیگانه رعایت نموده اند یعنی اینکه شخص اول اداره در افغانستان باید با تبار پشتون ، معاونیت اول به قوم نجیب تاجیک و معاونت دوم به قوم شریف هزاره متعلق باشند ، این فورمولی هست که در امتداد جغرافیای تاریخی افغانستان همیشه منافع کشورهای بزرگ و اشغالگریگانه را تحقق بخشیده است . من به عنوان یک مسلمان وابسته به قوم پشتون که اسلام را نه به عنوان یک کار ذوقی Hobby بلکه بحیث یک باور قوی و ایمان آگاهانه و علمی پذیرفته ام هرگونه معادلات اکثریت و اقلیت قومی در حوزه حقوقی را نادرست و شرک میشمارم این بدین معناست که اگر در اقلیمی خاصی و در جغرافیای ویژه ای معادله تناسب قومی بصورت مطلق و با فیصدی بلندی نیز به مشاهده برسد از نظر من در حوزه حقوقی از هیچگونه اعتباری بهره مند نیست و نه میتوان آن جامعه را با مفهوم عدالت که مستلزم مبارزه با چنین مرزبندی های قومی و نژادی است اندازه گیری نمود . پرسش این است که چرا استعمار خارجی به تفرقه های قومی ، نژادی و مذهبی بیشتر تکیه می کند ؟ و حتی کسانی را که بحیث **داروغه های** جوامع شرقی و اسلامی در هر کسوتی و هر جامعه ای میگمارند با نقشه راه قومی و نژادی به قدرت میرسانند ؟

جواب بسیار ساده این است که استعمار امپریالیستی معاصر برخلاف استعمار قدیم با میتود استعماری آزموده شده قرن بیست ویکم به صحنه آمده است و چنانچه می بینیم استعمار معاصر بخاطر اغفال اذهان و تحقیر تاریخی توده های مظلوم افغانستان ، سرنوشت مذهب ، قومیت و نژاد را نیز در دست گرفته اند و به القاب بلند بالای علمی و اکادمیک جعلی و استخباراتی وارد صحنه ساخته اند و پروژه اغفال اذهان عامه از اولویت های یک نسل از حق بزرگ و فوری و حیاتی به وسیله پرداختن اذهان عامه به یک یا چند حق کوچک غیر حیاتی و غیر ضروری مورد اجرا قرار میدهند . برای تحقق سالم و بدون آسیب های جانبی این میتود استعماری ذوق و علائق فرد فردی از نخبه گان حتی روشنفکران و مجاهدان راه استقلال را مورد آزمائش قرار میدهند و به اقتضای این میتود نرم افزاری در حوزه روشنفکران و نخبه گان وسائل غافل کننده آنها را فراهم میکنند تا این روشنفکران در جلد خودشان فرو روند و از مسأله کل سرنوشت جامعه غافل بمانند **ادامه دارد**